

Conceptualizing platform governance based on sharing economy teachings

Ali Javan Jafari^{۱*} | Mohammadreza Atarodi^۲ | Mohammadjavad Fadaei^۳^۱. Master's student of Economics and Development , Imam Sadiq University , Tehran, Iran^۲. Assistant professor ,faculty management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran^۳. Master's student of Economics and Development , Imam Sadiq University , Tehran, Iran

Article Info

Article type:
Research Article**Article history:**

Received: ۱۸ March ۲۰۲۱

Revised: ۱۰ June ۲۰۲۱

Accepted: ۱۶ June ۲۰۲۱

Keywords:Platform, Sharing Economy,
Platform Governance,
Governance, Delphi Method

ABSTRACT

Objective: Along with the expansion of the Internet, a new concept emerged in the economy, which was called the sharing economy. An economy that was based on providing a capacity called a platform to connect the suppliers of goods and services to those who demand them. This new economic model has been able to prove its effectiveness in social and economic guidance. One of the most important lessons that this economic model suggests is the formation of a governance model called platform governance. In this article, the coordinates of platform governance are investigated. Agile governance has always been a concern of policymakers. Governance models have been evolving and becoming more optimal over the decades. Platform governance is also one of the new suggestions for the data-based governance system in a way that results in policy optimization, high target hitting rate, and regulation of behaviors. Platform governance is a proposal for transitioning to efficient and agile governance based on technological capacities and sharing economy, which is discussed in this article.

Methodology: At first, a set of definitions and concepts around the concept of platform were extracted using the qualitative research method. Since the conceptual definitions try to express the basic components, the definitions of governance have been used to reach a comprehensive and comprehensive definition of governance. In the next step, with an in-depth study of shared economic knowledge, its key concepts were extracted, the features and regulatory rules that can be used in platform governance were determined. After that, in order to verify the data and obtain the rules and characteristics of platform governance, the Delphi method was used, which is a qualitative method to obtain a conceptual model by benefiting from the opinions of experts. After four rounds of expert questions, the general coordinates of the concept of platform governance were extracted.

Conclusion: The sharing economy is an emerging phenomenon these days in the world and it has brought tremendous changes, of which platforms are one of its manifestations. Experience shows that platform governance has been able to achieve positive results within the platform. Using this model on a larger scale can provide a new model of governance, which is called platform governance. By combining the concepts of sharing economy, platform and governance, we find that platform governance adheres to ۴ principles that distributes power in the system along with regulatory support and control. In terms of downstream and executive laws, networking and monitoring, connecting and creating hierarchies, paying attention to bilateral legitimacy and finally, paying attention to the category of power in the sense of an interactive element should be taken into consideration by the policy maker.

Originality: The proposed model is a model of agile and data-driven governance called platform governance that can lead to better efficiency of policies and economic and social development.

Cite this article: Last Name, Initial., Last Name, Initial., & Last Name, Initial. (۲۰۲۱). Conceptualizing platform governance based on sharing economy teachings. *Academic Librarianship and Information Research*, ۵۴ (۴), ۱-۲۰. DOI:

© The Author(s).

DOI:

, Vol. , No. , ۲۰۲۰, pp. .

مفهوم پردازی حکمرانی پلتفرمی مبتنی بر آموزه‌های اقتصاد اشتراکی

علی جوان جعفری*^۱ | محمدرضا عطاردی^۲ | محمدجواد فدائی^۳

چکیده

هدف: هم‌زمان با گسترش نفوذ اینترنت، مفهوم جدیدی در اقتصاد پدید آمد که اقتصاد اشتراکی نام گرفت. اقتصادی که اساس آن بر فراهم‌آوردن بستری به نام پلتفرم جهت اتصال عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، به تقاضاکنندگان آن بود. این مدل جدید اقتصادی به‌خوبی توانسته است کارآمدی خود را در هدایت اجتماعی و اقتصادی به اثبات برساند. یکی از مهم‌ترین درس‌آموزی‌هایی که این مدل اقتصادی پیشنهاد می‌دهد، شکل‌گیری مدلی از حکمرانی تحت عنوان حکمرانی پلتفرمی است. در این مقاله، مختصات حکمرانی پلتفرمی مورد بررسی قرار گرفته است.

ضرورت: حکمرانی چابک همواره دغدغه سیاست‌گذاران بوده است. مدل‌های حکمرانی در طول دهه‌ها همواره در حال تکامل و بهینه‌تر شدن بوده‌اند. حکمرانی پلتفرمی نیز از پیشنهاد‌های جدید برای نظام حکمرانی مبتنی بر داده می‌باشد به نحوی که موجب بهینه‌شدن سیاست‌ها، نرخ‌آصابات به هدف بالا و تنظیم‌گری رفتارها را به همراه داشته باشد. حکمرانی پلتفرمی، پیشنهادی است برای گذار به سمت حکمرانی کارآمد و چابک مبتنی بر ظرفیت‌های فناورانه و اقتصاد اشتراکی که در این مقاله بدان پرداخته شده است. درواقع حکمرانی پلتفرمی برپایه قواعد اقتصاد اشتراکی، سعی دارد تا با الهام از قواعد این دو مفهوم در زمینه حکمرانی، مدلی از حکمرانی چابک و تنظیم‌گرایانه را ارائه نماید.

روش‌شناسی: در ابتدا با استفاده از روش تحقیق کیفی دلال‌پژوهی، مجموعه‌ای از تعاریف و مفاهیم حول مفهوم پلتفرم استخراج شد. از آن‌جا که تعاریف مفهومی درصدد بیان مولفه‌های اساسی هستند، از تعاریف حکمرانی برای رسیدن به تعریفی جامع و مانع از حکمرانی نیز بهره‌گیری شده است. در گام بعدی با مطالعه عمیق دانش اقتصادی اشتراکی، مفاهیم کلیدی آن استخراج گردید، ویژگی‌ها و قواعد تنظیم‌گری که می‌تواند در حکمرانی پلتفرمی به کار گرفته شود مشخص شد. پس از آن به‌منظور تدقیق داده‌ها و دستیابی به قواعد و ویژگی‌های حکمرانی پلتفرمی، از روش دلفی که یک روش کیفی برای دستیابی به یک مدل مفهومی از طریق بهره‌مندی از نظرات خبرگان است، استفاده شد و پس از چهار دور پرسش خبرگانی مختصات کلی از مفهوم حکمرانی پلتفرمی استخراج شد.

یافته‌ها: در نتیجه این پژوهش حاصل شد که حکمرانی پلتفرمی از نظر قواعد تنظیم‌گرایانه دارای ۳ قاعده کلی اعم از قدرت توزیع شده، کنترل تنظیم‌گرانه و ساختار حمایتی است و از نظر ویژگی، داری چهار ویژگی شبکه‌سازی سازی و پایش، شبکه سلسله مراتب‌ها، مشروعیت دوطرفه و قدرت تعاملی است.

نتیجه‌گیری: اقتصاد اشتراکی پدیده نوظهور این روزهای دنیا است و تحولات شگرفی را رقم زده که پلتفرم‌ها یکی از نمود‌های آن است. تجربه نشان می‌دهد حکمرانی پلتفرم‌ها توانسته نتایج مثبتی را درون پلتفرم رقم بزند. بهره‌گیری از این الگو در مقیاس کلان تر می‌تواند مدل جدیدی از حکمرانی را ارائه دهد که حکمرانی پلتفرمی نام دارد. با تلفیق مفاهیم اقتصاد اشتراکی، پلتفرم و حکمرانی، در میابیم که حکمرانی پلتفرمی قائل به ۳ اصل است که ضمن حمایت و کنترل تنظیم‌گرایانه، قدرت را نیز در سیستم توزیع می‌کند. در مقام قوانین پایین دستی و اجرایی نیز شبکه‌سازی و پایش، اتصال و ایجاد سلسله مراتب‌ها، توجه به مشروعیت بصورت دوطرفه و در نهایت، توجه به مقوله قدرت به معنای یک عنصر تعاملی می‌بایست در اجرا، مد نظر سیاستگذار قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: پلتفرم، اقتصاد اشتراکی، حکمرانی پلتفرمی، حکمرانی، روش دلفی

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد و توسعه، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

^۲ استادیار، دانشکده مدیریت، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد و توسعه، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

دریافت مقاله:

پذیرش مقاله:

مقدمه

مسئله حکمرانی و کارکردهای آن همواره دغدغه اصلی در سیستم‌های مدیریتی بوده است. دستیابی به یک مدل حکمرانی مطلوب که ضمن کم کردن تراحمات و اختلالات عملکردی، بسترسازی لازم را برای توسعه فراهم کند حائز اهمیت است. در این میان، با ورود به قرن ۲۱ و دیجیتالی شدن کارها، شاهد ظهور گونه‌های جدیدی از سیستم‌های مدیریتی در اقتصاد و سیاست بوده‌ایم. اقتصاد اشتراکی یکی از این سیستم‌های مدیریتی است که مولود قرن ۲۱ است. این مفهوم با ظهور اینترنت و گسترش دامنه نفوذ آن به وجود آمد که مبنای آن اشتراک کالا و خدمات مازادی بود که از سوی یک عده عرضه می‌شد و در سمت دیگر، تقاضاکنندگان آن بودند که خواستار آن کالا یا خدمت محسوب می‌شدند.

در عصر کنونی، مردم تقریباً هر روز در حال استفاده از اقتصاد اشتراکی هستند؛ یعنی به اشتراک گذاشتن، معامله پایاپای، قرض گرفتن، تجارت، اجاره کردن، هدیه دادن و معاوضه به شکل سنتی که از طریق فناوری و اجتماعی از افراد همسان شکل گرفته است. مصرف اشتراکی که بر پایه اقتصاد اشتراکی است، افراد را قادر می‌سازد سود عظیم دسترسی به محصولات و خدمات را فراتر از مالکیت دریابند و به طور هم‌زمان، در پول، مکان و زمان خود صرفه‌جویی کنند، دوستان جدیدی پیدا کنند و دوباره به شهروندانی فعال تبدیل شوند. اقتصاد اشتراکی یک ایده گلوله‌برفی است، به اندازه کافی سنگین که به حرکت خود ادامه بدهد و به اندازه کافی دارای چسبندگی که به بزرگ‌تر شدن خود ادامه بدهد (Batzman & Rowe, ۲۰۱۰). لذا پیش‌بینی می‌شود که این سیستم در آینده نقش مؤثری ایفا کند. از سویی دیگر، گسترش فناوری‌های نرم، این امکان را برای کسب و کارهای قدیمی فراهم کرد تا با پیوستن به این مدل اقتصاد، بسترهای جدیدی برای فروش کالا و خدمات خود پیدا کنند. همچنین، در بستر این اقتصاد اشتراکی، مدل‌های کسب و کار جدیدی ظهور کردند که تاکنون وجود نداشتند. همه این تلاش‌ها منجر به بهینه‌تر شدن تبادلات گردید.

اقتصاد اشتراکی در دل خود، مفاهیمی دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد. هدف از این پژوهش استخراج یک مدل حکمرانی بر مبنای اصول و قواعد حاکم بر اقتصاد اشتراکی است. اما ایده اقتصاد اشتراکی به‌خودی‌خود نمی‌تواند مختصات کافی از چگونگی طراحی یک مدل حکمرانی مناسب را ارائه کند. اقتصاد اشتراکی از دیرباز در زندگی بشر وجود داشته؛ اما انقلاب دیجیتال، ابزارهایی را به این اقتصاد اعطا کرده است که سرعت و عملکرد آن را افزایش می‌دهد. از آنجایی که پلتفرم‌ها به‌عنوان یکی از هسته‌های اصلی این اقتصاد و بازوهای اجرایی آن محسوب می‌شوند، در این پژوهش با مطالعه ساختار پلتفرم‌ها به‌ویژه در بعد معماری و حکمرانی، با استفاده از اجماع نظر خبرگان به طراحی یک مدل مفهومی از حکمرانی اقدام شده است.

۱. مرور ادبیات

۱,۱ اقتصاد اشتراکی

اصطلاح "اقتصاد اشتراکی" اولین بار برای توصیف رفاه اجتماعی استفاده شد که در آن مشارکت‌کنندگان در جستجوی سهم‌شدن در منافع مشترک و بزرگ‌تر هستند (Weitzman, M. L., ۱۹۸۶). با ظهور اینترنت و گسترش دامنه نفوذ آن، مفهومی تحت عنوان اقتصاد اشتراکی به وجود آمد که مبنای

آن اشتراک کالا و خدمات مازادی بود که از سوی یک عده عرضه می‌شد و در سمت دیگر، تقاضاکنندگان آن بودند که خواستار آن کالا یا خدمت محسوب می‌شدند.

اقتصاد اشتراکی از دیرباز در جوامع وجود داشته؛ اما در عصر فناوری، این پدیده رشد قابل توجهی داشته و به بخشی جداناپذیر از زندگی افراد جامعه بدل شده است. این پدیده هم مانند سایر پدیده‌های اجتماعی، تأثیر بسزایی در علوم مختلف انسانی و اجتماعی مانند جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و... داشته است. بازتعریف مالکیت در اقتصاد اشتراکی و یا نحوه توزیع قدرت و بسیاری از مفاهیم دیگر این علوم در چهارچوب اقتصاد اشتراکی، دارای تغییراتی می‌گردند. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸)

به بیان دقیق‌تر، اقتصاد اشتراکی بازاری است که شرایط زیر را به صورت هم‌زمان محقق می‌کند:

۱. افراد، کسب و کارها، مصرف‌کنندگان این حوزه را در بر می‌گیرند.
 ۲. چون منابع محدودی از دارایی و مهارت وجود دارد و به همین دلیل با اشتراک‌گذاری آن‌ها، هم اشتراک‌گذار و هم مصرف‌کننده بهره‌مند می‌شوند.
 ۳. اشتراک‌گذاری از طریق راهکارهای مبتنی بر اینترنت است (Olson & Kemp, ۲۰۱۵).
- شاید بتوان ساده‌ترین تعریف از اقتصاد اشتراکی را این‌گونه ارائه کرد: اقتصاد اشتراکی یک مدل کسب و کار یکتا است که به کارگیری دارایی‌های بلااستفاده را حداکثر می‌کند (Kumar et al, ۲۰۱۸).

محمدی و همکاران (۱۳۹۸) بررسی می‌کنند که اقتصاد اشتراکی حاوی عناصر و پدیده‌های خاصی است که هر کدام تعریف مختص به خود را دارد.

- مردم: در اقتصاد اشتراکی، مردم در رأس آن هستند. بدان معنا که مردم در گروه‌های خودشان فعال‌اند و در جوامع بزرگ‌تری ایفای نقش می‌کنند. افراد، سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌ها، بازیگران اقتصاد اشتراکی محسوب می‌شوند.

- تولید: در اقتصاد اشتراکی، فعالان به صورت مشترک یا تعاونی اقدام به تولید می‌کنند. البته نوع تولید در اینجا متفاوت است. طبق تعاریف، تولید در اقتصاد اشتراکی یعنی ارائه آنچه که مازاد بر مصرف است در فضای این اقتصاد. وجود فناوری وب و شبکه، امکان تولید و توزیع را در فراتر از مرزهای جغرافیایی ممکن کرده و طیف وسیعی از افراد می‌توانند در این اقتصاد تولید کنند.

- سیستم ارزش و پاداش: در اقتصاد اشتراکی، ارزش‌ها صرفاً به صورت مادی نیست؛ بلکه جنبه غیرمادی را هم شامل می‌شود. سیستم‌های پاداش اجتماعی و معنوی هم در این اقتصاد محرک و انگیزاننده تلقی می‌گردد. همچنین اقتصاد مشارکتی، ارزش‌های جدیدی را تعریف می‌کند.

- توزیع: اقتصاد اشتراکی قادر است با استفاده از دامنه نفوذی که در وب و شبکه دارد و همچنین سطح دسترسی افراد به این زیرساخت‌ها، توزیع را عادلانه‌تر و در دسترس‌تر کند. با رشد این مدل اقتصاد می‌توان امید داشت که سرعت مصرف منابع زمین کند شود.

- محیط‌زیست: در اقتصاد اشتراکی، مردم و محیط‌زیست محوریت دارند. کالاهای درون این اقتصاد برای مصرف طراحی نمی‌شود؛ بلکه برای پایداری و مصرف چرخه‌ای طراحی می‌گردد؛ لذا از دل اقتصاد اشتراکی، اقتصاد سبز و اقتصاد چرخه‌ای بیرون می‌آید که مبتنی بر مفاهیم محیط زیستی و ادبیات توسعه پایدار است.

- قدرت: اقتصاد اشتراکی به بازتوزیع قدرت در جامعه کمک می‌کند. در این مدل اقتصاد، شهروندان از جهت اقتصادی و اجتماعی به توانمندی می‌رسند و یک سیستم تصمیم‌گیری دموکراتیک را در سطح محلی و جهانی به وجود می‌آورد. قدرت اشتراک‌گذاری توزیع شده شهروندان را به نوعی قدرت اشتراکی تجهیز می‌کند که در سطح جامعه توزیع شده است. این تنوع اقتصاد همچنین به مردم کمک می‌کند تا به بازیگرانی فعال بدل شوند و در تصمیم‌گیری، دسترسی‌های بهتری داشته باشند.

- حکمرانی: در یک اقتصاد اشتراکی سیستم حکمرانی و قانون‌گذاری دموکراتیک و قابل دسترس است. در این سیستم مشارکت انبوه در تمامی سطوح فعال است و افراد فعال در این حوزه تشویق می‌شوند. قوانین، سیاست‌ها، ساختارها و زیرساخت‌ها، سیستمی از اعتمادبخشی را از طریق بیمه‌ها، رتبه‌بندی‌های اجتماعی و تکیه بر سرمایه توزیع شده ایجاد می‌نمایند؛ اما همچنان برای ترسیم دورنمای این قابلیت باید تحقیق کرد.

- ارتباطات: در اقتصاد اشتراکی، اطلاعات به صورت باز و قابل دسترس است. در این سیستم ارتباطات باز، نقش محوری و مهمی دارد. از ویژگی‌های اقتصاد اشتراکی این است که دانش به صورت گسترده قابل دسترسی است. فناوری‌های نو و شبکه‌های اجتماعی گردش اطلاعات در دسترس را ممکن می‌سازد.

• فرهنگ: گفته می‌شود اقتصاد اشتراکی فرهنگ "ما" محوری را گسترش می‌دهد؛ چراکه به تعامل و تعالی جمعی دامن می‌زند. در این شیوه، فرهنگ اشتراک‌گذاری، فرهنگی ارزشمند تلقی شده و افراد را برای این امر تشویق می‌کند.

براین اساس می‌توان گفت که به نظر می‌رسد تکنولوژی‌های دیجیتال امروزی، ما را به رفتارهای اشتراکی آشنای گذشته، شغل مستقل و انواع تبادلات مبتنی بر جامعه که در گذشته وجود داشتند، برمی‌گردانند. با این تفاوت که انقلاب دیجیتال، سرعت و سهولت نقش‌آفرینی در این فضا را به شدت بهبود داده است. بنا بر این زیرساختی به نام اقتصاد اشتراکی، می‌تواند محمل تحولاتی باشد که در آینده رخ می‌دهد. مهم‌ترین این تحولات در زندگی امروز ما، پلتفرم‌ها هستند. پلتفرم‌ها که از ابزارهای پیاده‌سازی اقتصاد اشتراکی هستند می‌توانند آموزه‌های مناسبی برای حکمرانی ارائه کنند.

۲.۱ پلتفرم

همان‌طور که اشاره شد، اقتصاد اشتراکی، به‌عنوان یک مبنای فکری برای بسیاری از کسب‌وکارهای کنونی که بر بستر اینترنت فعالیت دارند محسوب می‌شود. این هسته فکری، برای تحقق، به ابزارهایی نیازمند است تا بتواند ویژگی‌های خود را با آن عرضه کند و به کمک آنها اهداف خود را نهایی سازد. طبیعتاً فضای اشتراک کالا و خدمات باید دارای ویژگی‌هایی باشد که این فرایند اتصال را قوی‌تر و بهینه‌تر صورت داده و همچنین احتمال انجام معامله و امنیت مبادله را برای کاربران بالاتر ببرد. اکوایر و همکاران (۲۰۱۷) اقتصاد اشتراکی را در سه هسته پایه‌ای تقسیم‌بندی می‌کنند:

۱. اقتصاد دسترسی

۲. اقتصاد پلتفرمی

۳. اقتصاد مبتنی بر جامعه

هر پدیده اجتماعی دارای بازیگران متعددی است. اقتصاد اشتراکی هم از این قاعده مستثنی نیست. در ساده‌ترین فرم و حالت، اقتصاد اشتراکی را می‌توان شامل کاربران، خدمات‌دهندگان و کسب‌وکارهای واسطه که تسهیل‌کننده دسترسی هستند؛ مانند پلتفرم‌ها، دانست. (سیدامیررضا برقی، ۱۳۹۸) پلتفرم‌ها، ابزارهای تحقق اقتصاد اشتراکی هستند. امروزه، پلتفرم‌ها در زندگی ما نقش‌های گسترده‌ای را ایفا می‌کنند. از خرید مایحتاج روزانه، تا آموزش و حمل‌ونقل و همچنین خدمات بیمه و بهداشت، همه‌وهمه در بستر پلتفرم‌ها صورت می‌گیرد.

از مفهوم پلتفرم تلقی‌های متفاوتی وجود دارد. در ادبیات توسعه محصول، "پلتفرم محصول" به معنای سیستمی از اجزای پایه است که به طور مشترک برای تولید محصولات گوناگون در یک کارخانه استفاده می‌شود. مانند پلتفرم خودرو. در ادبیات اقتصادی، از "پلتفرم دوسویه" یا چندسویه برای توصیف محصول، سیستم، خدمات یا سازمانی استفاده می‌شود که نقش واسطه و میانجی بین دو یا چند گروه از بازیگران را برعهده دارد.

عبارت "پلتفرم صنعتی" نیز عبارت است از اجزای سازنده‌ای (همچون محصولات، فناوری‌ها یا خدمات) که به‌عنوان پایه‌ای عمل کرده و مجموعه‌ای از شرکت‌ها قادرند محصولات و خدمات خود را روی آن توسعه دهند. به این مدل، اکوسیستم کسب‌وکار هم گفته می‌شود.

متخصصان و پژوهشگران حوزه سیستم‌های اطلاعات نیز از عبارات مختلفی همچون "پلتفرم دیجیتال" به‌منظور اشاره به سیستم‌هایی که به‌عنوان بستر عملکرد عمل می‌کند اشاره می‌کنند. (Nikayin, F. A, ۲۰۱۴) پلتفرم دیجیتال و پلتفرم دوسویه یا چندسویه تقریباً یکسان هستند و در این پژوهش، با این رویکرد به مفهوم پلتفرم و کاوش ویژگی‌های آن پرداخته خواهد شد. طبق این تعریف، کارکرد یک پلتفرم آن است که بستر تعامل برنامه‌ها با کاربران و برنامه‌ها با خود پلتفرم را فراهم کند.

پلتفرم‌ها، از ایده‌های مشترکی پشتیبانی می‌کنند که اساس کار آن‌ها را شکل می‌دهد. وجود چنین ویژگی‌هایی باعث می‌شود پلتفرم‌ها، ساختاری متفاوت با سایر برنامه‌هایی داشته باشند که به‌اشتباه، پلتفرم نامیده می‌شوند. تیوانا (۲۰۱۴) به بررسی ویژگی‌های پلتفرم می‌پردازد:

۱. چندسویه بودن: یک پلتفرم باید بتواند حداقل دو گروه مجزا را جذب کرده و امکان تعامل متقابل را برای آن‌ها فراهم کند. اتصال مسافر به راننده در تاکسی‌های اینترنتی یا اتصال خریداران به فروشندگان در سایت آمازون از نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهد پلتفرم‌ها چندوجهی هستند؛ یعنی حداقل دو یا چند گروه را به یکدیگر متصل می‌کنند.

۲. اثرات شبکه‌ای: اثرات شبکه‌ای یعنی اضافه‌شدن هر کاربر جدید به پلتفرم، ارزش آن پلتفرم را بالا می‌برد. این ارزش، در دو جهت حاصل می‌شود؛ اول اینکه ارزش خود پلتفرم را بالا می‌برد و دوم آنکه موجب ارزشمند شدن پلتفرم نزد سایر کاربران موجود در آن می‌شود.

۳. چند اتصالی بودن: چند اتصالی بودن پلتفرم به این معنا است که از چند طریق می‌توان به هاست آن پلتفرم متصل شد. این چند اتصالی بودن گاهی از سوی توسعه‌دهندگان است و گاهی از سوی کاربران است.
۴. معماری: این اصطلاح، یکی از اصطلاحات نزدیک به حکمرانی پلتفرم محسوب می‌شود. معماری، در هر کجا بیان شود نشان‌دهنده ترکیبات و اجزای آن سیستم و به بیان کلی تر نشان‌دهنده ویژگی‌های آن سیستم است. معماری پلتفرم نشان می‌دهد، اجزا چطور کنار هم قرار گرفته‌اند و کدام بخش مسئول انجام چه کاری است. هرگونه تغییری در معماری پلتفرم، اثرات خود را در آینده نشان می‌دهد و از این جهت، مانند سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی است. از سویی دیگر، معماری‌های فنی با حکمرانی اکوسیستم‌های پلتفرمی، پیوسته و جدانشدنی هستند که اغلب به‌عنوان معماری تجاری نیز از آن یاد می‌شود.
۵. حکمرانی: حکمرانی، یعنی چه کسی در پلتفرم تصمیم بگیرد و چه اتفاقی بیفتد. این تصمیمات در ۳ سطح اتخاذ می‌شود:
- چگونه قدرت تصمیم‌گیری بین مالک پلتفرم و توسعه‌دهندگان، تقسیم می‌شود.
 - چه نوع مکانیسم‌های کنترلی به‌صورت رسمی و غیررسمی از سوی مالک پلتفرم اعمال می‌شود.
 - ساختار قیمت‌گذاری‌ها و اینکه کدام یک از طرفین (توسعه‌دهنده یا کاربر) یارانه بگیرد.



شکل ۱- مدل عناصر حول مفهوم پلتفرم

افزون بر ساختارهایی که به آن‌ها اشاره شد، پلتفرم‌ها، خود سازوکارهای تنظیمی مختلفی دارند که به‌واسطه آن، زمین‌بازی را برای رفتارهای مطلوب خود طراحی می‌کنند و از رفتارهای نامناسب توسعه‌دهندگان و کاربران پیشگیری کرده یا در صورت بروز، توییح خواهند کرد. این ابزارها باعث می‌شوند مالک پلتفرم بتواند فضا را کنترل کند. آزادی (۱۳۹۸) این سازوکارها که در بُعد حکمرانی پلتفرم به کار گرفته می‌شوند را به‌صورت ذیل برمی‌شمارد:

- قواعد ورود به پلتفرم: قواعد ورود به پلتفرم، تعیین‌کننده محدوده‌ای از اختیارات است که مالک پلتفرم برای اعضا تعیین می‌کند. می‌توان قواعد ورود به پلتفرم را در پاسخ به این سؤال جستجو کرد: "مالک پلتفرم چه چیزی را به چه کسی اجازه می‌دهد"
- کنترل فرایند توسعه‌دهندگان پلتفرم: مالکین پلتفرم، برای سهولت امر توسعه‌دهندگان مجموعه‌ای از ابزارهای فنی نظیر، SDK محیط‌های شبیه‌سازی‌شده، ابزارهای تست و آزمایش و... را در اختیار توسعه‌دهندگان قرار می‌دهند و می‌توانند رفتار توسعه‌دهندگان را یا از روش‌های فنی و یا از طریق لاگ کردن، جهت‌دهی و یا نظارت نمایند. در این میان، جذابیت ابزارها برای جذب توسعه‌دهندگان مهم است.
- شاخص‌های ارزیابی: سومین ابزار در اختیار پلتفرم‌ها، ارزیابی و رتبه‌بندی عملکرد توسعه‌دهندگان با شاخصه‌هایی است که اهداف مالک پلتفرم را نشان می‌دهد. این ابزار هم شامل نظارت‌های پسینی است و هم نظارت‌های پیشینی را در بر دارد. چرا که به رفتار آتی توسعه‌دهندگان جهت می‌دهد.
- تنظیم هنجارها: ایجاد وفاق روی اهداف میان توسعه‌دهندگان و مالک پلتفرم، از ابزارهای تنظیمی است که کمک می‌کند تا توسعه‌دهندگان ضمن دنبال نمودن اهداف خرد خود، اهداف پلتفرم را نیز دنبال نمایند.

به بیانی دیگر، می‌توان گفت که پلتفرم یک زیرساخت باز همراه با یک مدل حکمرانی است که تعاملات ذی‌نفعان و بازیگران متعدد را واسطه‌گری و هماهنگ می‌کند؛ بنابراین پلتفرم یک زیرساخت آماده است که در آن، ذی‌نفعان و بازیگران متعدد قادرند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با یکدیگر

تعامل داشته باشند. زمانی که بازاری شکل بگیرد، پلتفرم است که قواعد حکمرانی را تعیین می‌کند و مشخص می‌کند که چه چیز برای حمایت مطلوب است و چه چیزی نباید حمایت گردد. (یخچالی و همکاران، ۱۳۹۹)

۲. پیشینه پژوهش

آنچه که در تعریف حکمرانی پلتفرمی به ذهن متبادر می‌شود ممکن است اصطلاحاتی همچون دولت پلتفرمی، حکمرانی پلتفرم‌ها و پلتفرم‌های حکمرانی باشد. مطالعات تلفیقی مختلفی در خصوص برداشت‌های موجود از حکمرانی پلتفرمی صورت گرفته است. نزدیک‌ترین مفهوم به حکمرانی پلتفرمی، دولت پلتفرمی است. در جدول زیر، تعاریف منتخبی از اصطلاح دولت پلتفرمی از منظر محققان مختلف جمع‌آوری شده است.

اورایی (۲۰۱۰) دولت پلتفرمی را استفاده از تکنولوژی (به‌خصوص تکنولوژی‌های مشارکتی مرتبط با وب ۲.۰) برای حل بهتر مشکلات جمعی در یک شهر، کشور یا در سطح بین‌المللی، از طریق ترغیب بخش خصوصی برای ساختن برنامه‌های کاربردی که دولت تشخیص نمی‌دهد یا منابع لازم برای توسعه آن را ندارد که لازمه آن ارائه داده باز است تعریف نموده است.

برایکن (۲۰۱۵) زیرساخت مشترک مرکزی به اشتراک گذاشته شده‌ای از سیستم‌ها، تکنولوژی‌ها و فرایندهای دیجیتال که به توان به‌راحتی روی آن سرویس‌های دولتی کاربر - محور و عالی ساخت را هسته اصلی دولت پلتفرمی می‌داند.

بیسونو (۲۰۱۷) دولت به‌مثابه پلتفرم را تصور نگاه به دولت به‌طور عمومی به‌صورت پلتفرمی برای نوآوری به‌جای مکانیزمی برای ارائه خدمات تعریف نموده است.

بارنز (۲۰۱۸) به‌کارگیری مدل‌های داده‌محور و تعاملی از حکمرانی، از طریق بازکردن (در دسترس قراردادن) امکانات دولت برای مردم، به‌طوری‌که به مردم اجازه مشارکت در خلق راه‌حل‌ها در همکاری با کارگزاران دولتی و عوامل آنها داده شود را از اصلی‌ترین کارکردهای دولت پلتفرمی تعریف کرده است.

نگاه دیگر در این زمینه به حکمرانی بر پلتفرم‌ها معروف است. حکمرانی پلتفرم‌ها شامل روش‌هایی است که حاکمیت به‌واسطه آن بتواند پلتفرم‌ها را در راستای هنجارهای خود به کار گیرد. (آزادی، ۱۳۹۸)

پلتفرم حکمرانی نیز دیگر اصطلاحی است که در این حوزه وجود دارد و مفهوم آن استفاده از پلتفرم‌ها برای بهبود شیوه حکمرانی و مشارکت شهروندان در امر تنظیم‌گری است. موضوعی که اگر چه با مفهوم دولت پلتفرمی قرابت‌هایی دارد؛ اما در ادبیات مدیریت دولتی تحت عنوان دولت بازشناخته می‌شود. امروزه این اصطلاح به‌طور کلی معنای وسیع‌تری دارد. گاولین و همکاران (۲۰۰۹) بیان می‌دارند که دولت باز اصطلاحی است فراگیر برای یک سیستم حکومتی که شفاف‌تر، در دسترس و پاسخگوتر شده است. در چنین سیستمی، به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات، یک هنجار در بخش عمومی است و منابع، آموزش و رویه‌های اداری قابل توجهی به انتشار مؤثر دانش و خدمات اختصاص داده می‌شود.

حسینی و همکاران (۱۳۹۹) در جدول زیر، به‌طور خلاصه، برداشت‌های مختلف از حکمرانی پلتفرم‌ها را ذکر نموده است:

جدول ۱- برداشت‌های مختلف از حکمرانی پلتفرمی (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹)

اصطلاح مشابه	ویژگی‌ها	مفهوم
- حکمرانی پلتفرم‌ها	• شرکت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان بازیگران اصلی • الزام به پاسخگو بودن پلتفرم‌ها • ضرورت تنظیم مقررات جامع درباره حریم خصوصی و حفاظت از داده • شفافیت و مسئولیت‌پذیری • مقابله با انحصار و رقابتی شدن	حکمرانی بر پلتفرم
- حکمرانی پلتفرم	• اعمال کنترل یا مالکیت توسط پلتفرم‌ها یا به شکل مشترک • بحث در باره حق تصمیم‌گیری توسط کاربران • مسئولیت و میزان نظارت بر محتوای تولیدی کاربران • تبعیت از الزامات قانونی • حفظ حضور کاربران • شفافیت در سیاست‌گذاری محتوا • هزینه‌نگاری، آزار، گفتار نفرت پراکنانه، حفظ حریم خصوصی و تبلیغ مواد قانونی و احراز هویت یا گمنامی به‌عنوان موضوعات چالش‌برانگیز • اعمال یا عدم اعمال حاکمیت فنی بر تولید محتوا و فعالیت کاربران	حکمرانی در پلتفرم
- دولت پلتفرمی - دولت باز	• تحقق ارزش‌های عمومی: آزادی بیان، تنوع، شفافیت و برابری اجتماعی • ارائه خدمات دولت الکترونیک	حکمرانی به‌واسطه پلتفرم

آنچه در مطالعات مشابه ذکر شده است تلقی‌های مختلف از مفهوم حکمرانی پلتفرمی است. پژوهش حاضر در صدد تعریفی جدید از این مفهوم است که تنها بر ویژگی‌های یک پلتفرم در بعد حکمرانی بنا شده است.

۳. شکاف تحقیق و تعریف مسئله

همانطور که اشاره شد، اقتصاد اشتراکی، نوع جدیدی از اقتصاد است که در حال حاضر در تمام ارکان زندگی ما جریان دارد. گرچه این نوع اقتصاد یک مفهوم عام است اما از طریق ابزارهایی نظیر پلتفرم‌ها تحقق یافته است. در پلتفرم‌ها، ارکان مختلفی وجود دارد که حکمرانی آن که منطبق بر اصول اقتصاد اشتراکی است، درس آموزه‌های قابل توجی برای پیاده‌سازی در نظام حکمرانی دارد. برای فهم بهتر حکمرانی پلتفرمی که مقصود اصلی این پژوهش

است ابتدا به تعریف حکمرانی و انواع آن می پردازیم تا بهتر بتوانیم مختصات حکمرانی پلتفرمی را تعریف کنیم. حکمرانی^۱ یکی از قدیمی ترین واژگان در ادبیات سیاست است. Governance در واقع به معنای فرمان دادن به یک گروه و یا جامعه به صورت سلسله مراتبی بوده است (کجائیر، ۲۰۰۴: ۴). افلاطون از این کلمه برای توضیح چگونگی اداره نظام حکومتی استفاده کرده است. در دوره میانه اروپا "Government" از فعل "to govern" به معنای حکومت کردن و کنترل کردن به کار می رفته است. این واژه همچنین دلالت بر حکومت کردن همراه با اقتدار دارد (ابوالحسنی، ۱۳۹۱: ۸).

در دهه ۱۹۸۰، حکمرانی معنای جدید یافته و "Governance" به پروسه مدیریتی برای تصمیم گیری در حوزه های عمومی و خصوصی در نظر گرفته می شد. بعد از شکل گیری نئولیبرالیسم، این واژه در ادبیات تکنوکرات ها به کار گرفته شد. آنها از این واژه برای محدود کردن قدرت دولت و حکومت استفاده می کردند. (همان: ۹) حکمرانی، درست مانند دولت، حداقل چهار معنی در ادبیات دارد: ساختار، فرایند، مکانیزم و استراتژی

حکمرانی به عنوان یک ساختار، نشان دهنده معماری نهادهای رسمی و غیررسمی است. به عنوان یک فرایند، پویایی و عملکردهای دخیل در فرایندهای طولانی بی پایان سیاست گذاری را نشان می دهد. به عنوان یک مکانیسم، به معنای روش های نهادی تصمیم گیری، رعایت و کنترل (ابزارها) است. سرانجام، به عنوان یک استراتژی، نشان دهنده تلاش بازیگران برای اداره و دست کاری طرح نهادها و مکانیسم ها به منظور شکل دادن به انتخاب و ترجیحات است (Levi-Faur, D. ۲۰۱۲).

به بیان دقیق تر، حکمرانی یک پروسه است و شامل مجموعه اقداماتی است که حاکمیت برای شهروندان خود انجام می دهد. در ادامه از دیدگاه رودز و لارنس، دو صاحب نظر مطرح در عرصه حکمران و دولت مسئله حکمرانی را بررسی می کنیم.

رودز (۱۹۹۶) شش تعریف برای کلمه "حکمرانی" را برمی شمارد:

۱. دولت حداقلی: حکمرانی به مثابه دولت حداقلی بیانگر شیوه و حدود مداخله دولت در بازار و نحوه ارائه خدمات عمومی است. خصوصی سازی و کاهش خدمات دولت در این نگاه قرار دارد.

۲. حاکمیت شرکتی: حاکمیت شرکتی به معنای سیستمی است که راهبری شرکت را به عهده دارد. در این حوزه، مسئولیت هایی همچون دسترسی به اطلاعات، مسئولیت پذیری و صداقت در حکمرانی شرکتی تعریف شده است. این مفهوم همچنین یادآوری می کند که حکمرانی بخش خصوصی بر بخش دولتی اثر گذار است.

۳. مدیریت عمومی جدید: مدیریت عمومی جدید که به مدیریت عمومی نوین نیز معروف است، در پی گذار از روش های سنتی و بروکراتیک مدیریت به سمت روش های نوینی همچون انعطاف پذیری سازمانی، افزایش مسئولیت پذیری مدیران، کم کردن اندازه و وظایف دولت در قالب خصوصی سازی است.

۴. یک سیستم سایبرنتیک اجتماعی: یکی دیگر از مفاهیم حکمرانی، حکمرانی به صورت یک سیستم سایبرنتیک اجتماعی است. در این نوع حکمرانی، نتایج سیاست ها، محصول اقدامات دولت مرکزی نیست. دولت مرکزی ممکن است قانونی را تصویب کند؛ اما متعاقباً دولت محلی، مقامات بهداشتی، بخش داوطلبانه و بخش خصوصی با یکدیگر تعامل جداگانه داشته باشند. به یک معنا، نظم در حوزه سیاست وجود دارد؛ اما از بالا تحمیل نمی شود. در اینجا دولت مرکزی دیگر برتری ندارد و نظام سیاسی متمایز می شود. می توان گفت در "جامعه بدون مرکز" زندگی می کنیم. وظیفه دولت این است که

بتواند تعاملات سیاسی اجتماعی را ایجاد کند. شاید بتوان گفت این تعریف از حکمرانی، با تعریف حکمرانی شبکه‌ای قرابت مفهومی دارد. حکمرانی شبکه‌ای را می‌توان شکلی از اتحاد بین سازمان‌ها و بازیگران مختلف دانست که در پی تسهیم منافع مشترک و توسعه فرهنگ اعتماد هستند. در این نوع از حکمرانی، مسائل بغرنج در مدت‌زمان کوتاهی بررسی و حل می‌شوند؛ چراکه بحران‌ها جز با مداخله قشرها و نهادهای مختلف برطرف نمی‌شود؛ لذا در این روش حکمرانی، با استفاده از ظرفیت شبکه‌ها اقدام به حل بحران و اداره جامعه پرداخته می‌شود. (خواجه نایینی، ۱۳۹۳: ۱۳۵)

۵. شبکه‌های خودسازماندهی: حکمرانی از طریق شبکه‌های خودسازماندهی در واقع انجام کار از طریق سازمان‌های دیگر است. در این روش، موضوع حکمرانی، نحوه مدیریت این شبکه و سازماندهی آن است. بر این مبنا، چون دولت از قدرت کافی برای اعمال اراده بر سایر بازیگران برخوردار نیست؛ لذا سایر نهادهای اجتماعی تا حد زیادی خودمختار هستند. آنها توسط هیچ یک از بازیگران فوق‌العاده حتی دولت تحت کنترل نیستند. خودمختاری در اینجا مفهومی بین آزادی و مسئولیت‌پذیری دارد. آزادی از دستورات دولت و مسئولیت‌پذیری نسبت به شبکه و جامعه. عقب‌نشینی دولت و هدایت از راه دور، همه مفاهیم مربوط به مقررات و کنترل کمتر مستقیم دولت هستند که منجر به خودمختاری و خودگردانی بیشتر برای نهادهای اجتماعی می‌شوند.

۶. حکمرانی خوب: حکمرانی خوب مفهومی بود که توسط بانک جهانی برای کشورهای در حال توسعه و با تعیین شاخص‌هایی سعی داشت تا مسیر توسعه را برای این کشورها هموارتر کند. در سیاست حکمرانی خوب، بجای کوچک‌سازی دولت، به مسئله توانمندسازی دولت پرداخته می‌شود. بر اساس تعریف سازمان ملل، حکمرانی خوب همان مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری است (صوفی مجید پور، ۱۳۸۳: ۱۳). شش شاخص برای حکمرانی خوب تعریف شده است. اول پاسخگویی و حق اظهارنظر است که به معنای میزان مشارکت مردم در نظام سیاسی و آزادی بیان است. دوم ثبات سیاسی و نبود خشونت است. سوم اثربخشی دولت است که بیانگر کیفیت خدمات عمومی و دور بودن خط‌مشی ارائه این خدمات از جنجال‌های سیاسی است. چهارم کیفیت تنظیم‌کنندگی دولت برای مشارکت بخش خصوصی و اثربخشی آن‌ها در اداره کشور است. پنجمین شاخص، حاکمیت قانون است. به این معنی که چه میزان می‌توان به اجرای قوانین در آن جامعه امید داشت. شاخص ششم نیز ادراک فساد است. به این معنا که قدرت عمومی و خصوصی در یک کشور تا چه حد ممکن است موجب سوءاستفاده قرار بگیرد (نادری، ۱۳۹۰: ۷۷).

لارنس (۲۰۱۰) نیز ۵ تعبیر از واژه حکمرانی ارائه می‌دهد:

۱. حکمرانی به عنوان یک اصطلاح عمومی برای "قانون منظم و دستور داده شده" برای هر نهادی که هدف آن دستیابی به هدفی است که افراد یا سازمان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲. حکمرانی که با دولت و نقش آن در هدایت و هدایت اجتماعی، یعنی با بخش عمومی مترادف است.

۳. حکمرانی مترادف با "دولت خوب" یا "حکمرانی مؤثر" که توسط اقتدار نهادهای بخش دولتی که به طور مناسب تشکیل شده‌اند تعریف می‌شود.

۴. حکمرانی "فرا تر از دولت"، یعنی علاوه بر دولت، حکومت به عنوان یک الگوی نوظهور اجتماعی ظهور میابد که در آن، راهنمای تخصیص منابع و ارائه خدمات توسط نهادهای جامعه مدنی و عموماً بدون مجوز و نفوذ مستقیم دولت ارائه می‌شود.

۵. حاکمیت "غیردولتی"، به معنای زمینه‌هایی است که در آن دولت با شبکه‌های غیرمتمرکز، همکاری سایر افراد و نهادها و بازارها (حاکمیت مصرف‌کننده) که تحت تابع اختیارات تحمیلی دولت‌ها نیستند جایگزین شده است.

اگر نگاه رودز و لارنس را در باره حکمرانی قیاس کنیم، در میابیم که هر دو، تعبیر و تعاریف مشترکی را برای حکمرانی ارائه داده‌اند.

جدول ۲- مقایسه دلالت‌های مختلف حکمرانی از منظر رودز و لارنس. Laurence, ۱۹۹۶Rhodes, R. A. W. (۲۰۱۰)

حکمرانی از نگاه رودز	حکمرانی از نگاه لارنس	دلالات
دولت حداقلی	حکمرانی با دولت	تعیین نقش دولت در حکمرانی و حدود خدمات عمومی
مدیریت عمومی نوین	قانون منظم دستور داده شده	حداقل کردن بروکراسی و برقراری حاکمیت بر اساس قواعد
شبکه‌های خودسازماندهی	حکمرانی غیردولتی	حکمرانی نهادها به‌عنوان بازیگر اصلی و جایگزین شدن این نهادها بجای دولت
سیستم سایبرنتیک اجتماعی (حکمرانی شبکه‌ای)	حکمرانی فراتر از دولت	همکاری شبکه‌ها و نهادهای غیردولتی با دولت برای حکمرانی
حکمرانی خوب	دولت خوب/حکمرانی مؤثر	تعیین وظایف مشخص برای نهادها به شیوه اقتدار به‌منظور دستیابی به توسعه سریع‌تر

بنابراین با بهره‌گیری از دلالت‌های فوق به تعریفی مختصر دست یافته شد. حکمرانی پلتفرمی را باید تلفیقی از مفاهیم مختلف حکمرانی و ویژگی‌های یک پلتفرم دانست. برخی از ویژگی‌های انواع حکمرانی که توسط محققین مذکور (رودز و لارنس) مطرح شده است در مفهوم حکمرانی پلتفرمی نیز ساری و جاری است. علاوه بر آن پلتفرم نیز دارای بار مفهومی مختص به خود است. از تلفیق این دو بخش مفهومی، اصطلاح جدیدی تحت عنوان حکمرانی پلتفرمی احصا گردیده است. باتوجه به آنچه که در تعریف حکمرانی بدان اشاره شد و یا در بیان مختصات پلتفرم مورد بحث قرار گرفت، مبتنی بر سازه‌های مفهومی حکمرانی و پلتفرم تعریف محققین از اصطلاح حکمرانی پلتفرم عبارت است از:

حکمرانی پلتفرمی شیوه‌ای از حکمرانی است که با الهام از ویژگی‌های یک پلتفرم و آموزه‌های آن در بُعد تنظیم‌گری، سعی دارد تا چابکی و کارایی حکمرانی را افزایش دهد. این شیوه حکمرانی چهارچوب‌ها و ویژگی‌هایی دارد که هدف پژوهش در مفهوم‌پردازی آن‌ها است.

۴. روش‌شناسی

برای تبیین اثر نور بر بهره‌وری نیروی انسانی در سازمان‌ها از روش پژوهش‌های آزمایشی استفاده می‌کنیم، و برای درک هم‌آیندی رضایتمندی شهروندان از خدمات سازمان‌های دولتی با مشارکت آن‌ها در انتخابات شوراهای شهر به روش همبستگی متوسل می‌شویم و فهم فرهنگ مشترک یک گروه سازمان یا یک جامعه محلی مستلزم بهره‌گیری ما از قوم‌نگاری است و ساخت نظریه بی‌تفاوتی کارکنان یک سازمان خاص استراتژی نظریه داده‌بنیاد را طلب می‌کند و برای فهم جوهره یک تجربه توسط افرادی خاص به پدیدارشناسی روی می‌آوریم و ... برای بررسی دلالت‌ها، آثار، تبعات، کاربردهای یک فلسفه، یک چهارچوب، یک نظریه، یک مدل یا یک ایده برای رشته یا موضوع معمولاً روشی خاص را می‌طلبد. نوعی کمبود روش‌شناسی که تاکنون جواب تنسیق شده‌ای نه در جوامع علمی بین‌الملل و نه در جوامع علمی کشور به آن داده نشده است. دانایی فرد این نوع مطالعات را "مطالعات دلالت پژوهی" نامگذاری کرده و روش‌شناسی متناسب با آن‌ها را "روش‌شناسی دلالت پژوهی" حک کرده است. (افضلی و همکاران، ۱۴۰۱)

در محافل علمی، وقتی فلسفه، ایده، چهارچوب، نظریه یا مدلی جدید مطرح می‌شود همه رشته‌ها تمایل دارند از آن‌ها برای توسعه دانش رشته‌ای خود بهره گیرند. برای این بهره‌گیری چه روشی وجود دارد؟ برای مثال دین چه حرفی برای حکومتداری، خط‌مشی‌گذاری، آرامش روانی، روابط اجتماعی، روابط بین‌الملل و... دارد؟ نهج‌البلاغه امام علی علیه السلام برای "تعامل حکومت و مردم" چه رهنمودی دارد؟ واقعیت آن است که قرآن و سایر کتب آسمانی به صورت مستقیم به همه موضوعات مطرح در رشته‌های مختلف نپرداخته‌اند. همین‌طور وقتی فلسفه‌ای مطرح می‌شود همه رشته‌ها تلاش می‌کنند از آن در

توسعه و تعالی رشته خود بهره بگیرند زیرا فلسفه‌ها برای یک رشته خاص و موضوع خاص مطرح نمی‌شوند و صبغه عمومی دارند. برای مثال فلسفه رئالیسم چه دلالت‌هایی برای مطالعات دینی، سیستم‌های اطلاعاتی، روانشناسی سلامت و... دارد؟ حتی وقتی در یک رشته خاصی برای مثال جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی، ایده‌ها نظریه یا مدلی مطرح می‌شود رشته‌های دیگر در تلاشند تا به نوعی به استقراض از آنها بپردازند تا رشته خود را توسعه دهند.

واقعیت آن است که گاهی اوقات نویسندگان یا پژوهشگران می‌خواهند از یک فلسفه، چارچوب، نظریه، مدل یا ایده‌های رهنمودهایی استخراج کنند که چندان مصرف مستقیم در عمل ندارند. این رهنمودها ممکن است بعدها تبدیل به دانش خاص رشته تخصصی آن پژوهشگر شوند. به عبارت دیگر، گاهی اوقات پژوهشگران می‌خواهند از سایر رشته‌ها، از فلسفه‌های مختلف، از رشته‌های پایه‌ای، از یک چارچوب، از یک نظریه، از یک مدل، از یک ایده ابتدایی مطرح در سایر رشته‌ها رهنمودهایی قرض کنند و آن را در حوزه تخصصی خود بکار گیرند. به این عمل، "دلالت پژوهی" اطلاق می‌شود. چون نیت پژوهش دلالت پژوهی یا ترسیم دلالت‌های ایده‌های کلیدی یک فلسفه، چارچوب، نظریه یا مدل برای رشته متقاضی است، شناسایی و تعیین یک فرآیند موقتی اولیه در مطالعه دلالت پژوهی ضروری است. ممکن است فرآیند در حین مطالعه شما تغییر کند ولی تصویری فرآیندی از مراحل پژوهش نیاز دارید. این فرآیند می‌بایست به طور طبیعی از مسئله پژوهش و سؤال‌هایی که در پی پاسخ به آن هستید تا دلالت‌های اعتبارسنجی شده باشد. مسئله پژوهشی ایجاب می‌کند که نوعی از مطالعه ایده‌های کلیدی از ابژه منتخب به شیوه دلالت پژوهی انجام شود که خود فرآیندی را طی می‌کند مشتمل بر:

- یافتن ایده‌های کلیدی
- اعتبارسنجی ایده‌های کلیدی
- تعیین دلالت‌های مناسب
- اعتبارسنجی دلالت‌ها (دانایی فرد، ۱۳۹۵)

بر همین اساس در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مفاهیم اصلی حول حکمرانی و مطالب مرتبط با آن دلالت‌هایی برای حکمرانی پلتفرمی احصا گردید. سیلورمن (۱۳۷۹) روش کیفی را روشی مبتنی بر فرایند «برساخت واقعیت اجتماعی» معرفی می‌کند. یعنی پدیده‌های انسانی و اجتماعی از جنس معنا است و از سوی کنشگران ساخته می‌شود و از آنجا که پارادایم پوزیتیویستی با روش‌های کمی و آزمون فرایض و استقراض معانی از پیش تعریف شده را بر اجتماع و روابط آن تحمیل می‌کنند غالباً قادر به بیان اصل واقعیت‌ها نیستند (طالب‌پور و بسطامی نژاد، ۱۳۹۹، ص. ۲۶۹). اتخاذ رویکرد کمی در انکشاف ادبیات حکمرانی پلتفرمی ممکن بود سبب بروز عواملی گردد که منجر به کج‌تابی و عدم تبیین صحیح مسئله گردد؛ لذا این مقاله مبتنی بر روش دلفی تهیه شده است. روش دلفی یک روش ساختمند برای هم‌اندیشی و تعامل مبتنی بر نظر خبرگان است که در آن، ضمن بیان اصل و ماهیت موضوع به هریک از خبرگان، نظر آنها جمع‌آوری و اعمال می‌شود. در این روش سؤالات و نتیجه آنها چندین بار بین صاحب‌نظران به صورت رفت و برگشت تبادل می‌شود تا تمامی خبرگان بر متن و ایده‌نهایی به اجماع برسند. سه ویژگی مدل دلفی را می‌توان ناشناس بودن، اخذ بازخورد و تکرار دانست (فدائی، ناخدا، ۱۳۸۹: ۱۵۸). اگر چه دلفی معمولاً برای رسیدن به اجماع نظر بین گروهی از متخصصان یک رشته خاص علمی و در مورد موضوعی معین به کار گرفته می‌شود؛ اما اخیراً به منظور تولید ایده‌ها و نظرات جدید پیرامون مسائل تازه و بدیع علمی نیز به کار می‌رود (Hasson et al. ۲۰۰۰). سوال اصلی در این پژوهش آن است که اولاً، حکمرانی پلتفرمی چه تعریفی دارد و ثانیاً ویژگی‌های این نوع حکمرانی چیست؟

تعداد خبرگان در روش دلفی از ۵ تا ۲۰ نفر قابل قبول است (نقیب السادات و جوادی، ۱۳۹۰، ص ۷۱) به همین منظور، برای این مقاله از ۱۰ خبره برای حضور در پنل دعوت به عمل آمد که از این میان نظرات ۷ نفر درخواست را پذیرفتند. از بین این افراد خبره ۴ تن پژوهشگر حوزه اقتصاد اشتراکی و پلتفرم و سه تن دیگر مشاور و مدیر در نهادهای حاکمیتی و آشنا با مفهوم پلتفرم و دارای دکترای مدیریت دولتی و اقتصاد بودند. در این فرایند، به صورت رفت و برگشت در ۴ دور متوالی، مطالب نهایی جمع‌بندی و مدل حکمرانی پلتفرمی (شکل ۱) حاصل شد.

۵. چارچوب پژوهش

بر اساس دلالت های احصا شده از مفاهیم حکمرانی و شبکه مفاهیم مستخرج از پلتفرم طی مطالعات و مصاحبه با خبرگان و برای دستیابی به ویژگی ها و قواعد تنظیم گری حکمرانی پلتفرمی، از طریق مطالعه ویژگی های حکمرانی و ویژگی های پلتفرم و اقتصاد اشتراکی در بُعد تنظیم گری و استخراج دلالت ها، گزاره های قابل استفاده در مدل حکمرانی پلتفرمی در ماتریس ذیل احصا گردید.

جدول ۳- استخراج قواعد و ویژگی های حکمرانی پلتفرم (یافته های پژوهش)

ادبیات موجود	مفهوم	دلالت استخراجی محققان
قواعد ورود به پلتفرم (آزادی، ۱۳۹۸)	مالک پلتفرم تعیین می کند که چه مقدار اختیارات به چه کسی در پلتفرم داده شود.	قدرت توزیع شده
کنترل فرایند توسعه دهندگان (آزادی، ۱۳۹۸)	مالک پلتفرم با در اختیار گذاشتن ابزارها و امکانات مشخص به توسعه دهندگان، آن ها را به سمت توسعه پلتفرم هدایت می کنند.	ساختار حمایتی
شاخص های ارزیابی و تنظیم هنجارها (آزادی، ۱۳۹۸)	شامل مشخص نمودن هنجارهای مشترک بین مالک پلتفرم و توسعه دهندگان و تهیه ابزارهایی برای نظارت های پیشینی و پسینی مسیر حرکت توسعه دهندگان است.	کنترل تنظیم گرایانه
شبکه سازی (آنسل و تورفینگ، ۲۰۱۶)	شبکه فعالانی که در حکمرانی دخیل اند	شبکه سازی و پایش
سلسله مراتب ها (آنسل و تورفینگ، ۲۰۱۶)	سلسله مراتب بروکراتیک موجود در حکمرانی	شبکه سلسله مراتب ها
قدرت (آنسل و تورفینگ، ۲۰۱۶)	ظرفیت وادار کردن یک بازیگر به کاری که جز باحالت اجبار انجام نمی دهد.	قدرت توزیع شده
مشروعیت (آنسل و تورفینگ، ۲۰۱۶)	قانونی و طبق قانون بودن	مشروعیت دوطرفه

به منظور تدقیق داده ها و دستیابی به قواعد و ویژگی های حکمرانی پلتفرمی، از روش دلفی که یک روش کیفی برای دستیابی به یک مدل مفهومی از طریق بهره مندی از نظرات خبرگان است، استفاده شد و پس از چهار دور پرسش خبرگانی، مدلی سه وجهی (اصول حکمرانی پلتفرمی) پیشنهاد گردید. تعداد

خبرگان در روش دلفی از ۵ تا ۲۰ نفر قابل قبول است (نقیب السادات و جوادی، ۱۳۹۰، ص ۷۱) به همین منظور، برای این مقاله از ۱۰ خبره برای حضور در پنل دعوت به عمل آمد که از این میان نظرات ۷ نفر درخواست را پذیرفتند. از بین این افراد خبره ۴ تن پژوهشگر حوزه اقتصاد اشتراکی و پلتفرم و سه تن دیگر مشاور و مدیر در نهادهای حاکمیتی و آشنا با مفهوم پلتفرم و دارای دکترای مدیریت دولتی و اقتصاد بودند. در هر دور از نظرسنجی، خبرگان بر اساس فرمی که به طور خلاصه، مفهوم حکمرانی پلتفرمی و مدل مستخرج از آن را تبیین کرده بود نظرات خود را اعلام نمودند و تمام آنها در مدل نهایی و اصلاحات بعدی آن مورد توجه قرار گرفت. پس از ۴ دور نظرسنجی و اعمال تغییرات، مدل نهایی مورد تأیید صاحب نظران قرار گرفت.

در دور اول ابهاماتی ناظر به مفهوم حکمرانی پلتفرمی و دولت پلتفرمی به وجود آمد که در این مقاله، تفاوت‌های مدنظر از حکمرانی پلتفرمی نسبت به سایر تعاریف و تعبیر مشابه مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت و در نتیجه، جداول ۱ و ۲ به متن اضافه شد.

در دور دوم، یافته‌های مطالعاتی پژوهش در اختیار خبرگان قرار گرفت و پس از تشریح تعاریف و اصطلاحات مستخرج، ضمن تأیید تعریف صورت گرفته از حکمرانی پلتفرمی، نسبت به نحوه دستیابی به ۵ عامل حکمرانی پلتفرم (ویژگی‌ها و چهارچوب‌ها) سؤالی از سوی خبرگان مطرح شد. این موضوع نیز جهت رفع ابهام در پژوهش، منجر به تهیه جدول ۳ گردید که در خصوص تبیین چگونگی دستیابی به ویژگی‌ها و چهارچوب‌های حکمرانی پلتفرم در این پژوهش بود.

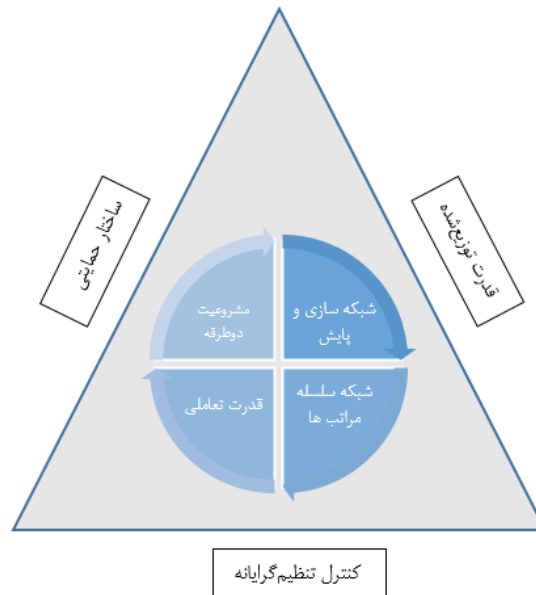
در دور سوم، ضمن اجماع نظر خبرگان بر عناوین کلی موضوعات و رفع ابهامات دور قبل، نسبت به برخی ویژگی‌های بیان شده و جزئیات آن‌ها در این مدل از حکمرانی اظهارنظرهایی توسط خبرگان صورت گرفت. موضوع حکمرانی از پایین به بالا در حکمرانی پلتفرمی و تبیین جایگاه عدالت در این مدل نیز از دیگر مسائلی بود که در دور سوم از سوی خبرگان مطرح و پس از گفتگو و تفصیل مفاهیم فوق، مسئله حکمرانی از پایین به بالا در مبحث «مشروعیت دوطرفه» و جایگاه عدالت نیز در رکن «ساختار حمایتی» لحاظ گردید.

در دور چهارم و دور نهایی، پنل خبرگان، ضمن مرور مجدد مطالب و ادبیات تولید شده در خصوص حکمرانی پلتفرمی، تعریف حکمرانی پلتفرمی و همچنین مختصات آن مورد تأیید پنل خبرگان قرار گرفت.

۶. یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های پژوهش که حاصل اجماع نظر خبرگان در خصوص ویژگی‌های حکمرانی پلتفرمی است، این نتیجه حاصل شد که حکمرانی پلتفرمی در مقام قوانین بالادستی و قوانین مادر، قائل به ۳ اصل است: ساختار حمایتی، قدرت توزیع شده و کنترل تنظیم گرایانه. این مدل در ساحت عمل نیز به ۴ ویژگی شناخته می‌شود: شبکه‌سازی و پایش، مشروعیت دوطرفه، شبکه سلسله مراتب‌ها و قدرت تعاملی. آنچه در این مقاله نتیجه‌گیری شده است صرفاً مقدمه‌ای بر مفهوم حکمرانی پلتفرمی است.

با توجه به چهار چوب‌های یاد شده و ۴ ویژگی یک حکمرانی پلتفرمی، می‌توان مدل زیر را تصویر کرد:



شکل ۲- الگوی حکمرانی پلتفرمی

۷. تحلیل یافته ها

طبق اجماع صورت گرفته، تعریف حکمرانی پلتفرمی عبارت است از :

« حکمرانی پلتفرمی شیوه‌ای از حکمرانی است که با الهام از ویژگی‌های یک پلتفرم و آموزه‌های آن در بُعد تنظیم‌گری، سعی دارد تا چابکی و کارایی حکمرانی را افزایش دهد»

در حوزه قواعد تنظیم گرایانه ۳ شاخص و در حوزه ویژگی‌های حکمرانی پلتفرمی نیز ۴ شاخص استخراج گردید. در ادامه به بسط و تعریف شاخص‌های مستخرج پرداخته و با استفاده از اجماع نظر خبرگان، ضمن بررسی تعاریف، مدل نهایی ارائه شده است.

• قواعد تنظیم گرایانه در حکمرانی پلتفرمی

حکمرانی اولین و مهم‌ترین ویژگی یک پلتفرم به شمار می‌رود. تقریباً تمامی قواعد و قوانین تنظیم‌گری در طبقه حکمرانی صورت می‌پذیرد. حکمرانی در پلتفرم از نوع حکمرانی به سبک شبکه‌های خودسازماندهی و حکمرانی فراتر از دولت است. درواقع حاکمیت پلتفرمی درصدد خواهد بود با طراحی مکانیزم‌هایی مشخص و به‌دوراز مداخله مستقیم، تنظیم‌گری لازم را برای نقش‌آفرینی بازیگران مختلف در عرصه حکمرانی فراهم کند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، پلتفرم‌ها در چهارچوب قواعدی که تنظیم می‌کنند، ابزارهای لازم برای اداره پلتفرم را پیشنهاد می‌دهند. این قواعد عبارت‌اند از: قواعد ورود به پلتفرم، کنترل فرایند توسعه‌دهندگان، شاخص‌های ارزیابی و تنظیم هنجارها (آزادی، ۱۳۹۸). در حکمرانی پلتفرم، موضوع اصلی این است که "چه کسی تصمیم می‌گیرد که در اکوسیستم چه اتفاقی بیفتد (Tiwana, ۲۰۱۴) و طبق تعاریف و کالبدشکافی که از ماهیت حکمرانی پلتفرم صورت گرفت و طی فرایند اجماع خبرگان، سه موضوع ذیل را نتیجه گرفت:

۱- قدرت توزیع شده: این عنوان از موضوع "قواعد ورود به پلتفرم" در پلتفرم استخراج شده است. قدرت توزیع شده در حکمرانی پلتفرمی یعنی در پلتفرم قدرت متمرکز وجود ندارد؛ بلکه تقسیم قدرت وجود دارد. علی‌رغم اینکه مالک پلتفرم، قواعد را تنظیم و نقش‌ها را مشخص می‌کند، اما قدرت پلتفرم ناشی از کارایی توسعه‌دهندگان و تعداد کاربران آن است و یک پلتفرم بدون کاربر، هیچ ارزشی ندارد. این همان مفهوم اثر شبکه‌ای است که پیش‌تر بررسی کردیم. به عبارت دیگر آنچه که در پلتفرم قدرت ایجاد می‌کند چیزی جز اثر شبکه‌ای و تک‌تک بازیگرانی که از سیستم تبعیت می‌کنند نیست. اما همان‌طور که در پلتفرم‌ها، ارتقای اثر شبکه‌ای تابعی از کارایی پلتفرم است، در حکمرانی پلتفرمی نیز یک رابطه دوسویه مطرح می‌شود که می‌توان نام آن را تسهیم قدرت نامید. یعنی در حکمرانی پلتفرمی، حاکمیت از ابعاد مختلف اقتصادی، نظامی و سیاسی برای مردم قدرت تولید می‌کند و در مقابل، مردم نیز با حمایت و پشتیبانی از حاکمیت است. در واقع هدف اصلی حاکمیت کسب قدرت نیست؛ بلکه رضایت عمومی است که در نتیجه این رضایت عمومی، قدرت حاصل می‌شود. در نقطه مقابل نیز، ممکن است هدف خودآگاه مردم، قدرت بخشیدن به حاکمیت نباشد؛ اما از آنجاکه سیستم‌های کارآمد همواره حمایت می‌شوند، این حمایت‌ها موجب ساخت قدرت برای حاکمیت خواهد شد. همان‌طور که اشاره کردیم، اثر شبکه قدرت پلتفرم را می‌سازد. هرچه تعداد کاربران یک پلتفرم بیشتر باشد می‌توان گفت که آن پلتفرم نفوذ، مقبولیت و کارایی بیشتری دارد. در ادبیات جامعه‌شناسی و حکمرانی، اثر شبکه‌ای با لغت سرمایه اجتماعی همپوشانی دارد. سرمایه اجتماعی، توانایی بازیگران برای تضمین منافع خود با عضویت در شبکه‌ها یا ساختارهای اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مانند همه انواع سرمایه‌ها، قابل انباشته شدن است و در مواقع لزوم می‌توان آن‌ها را به کار گرفت (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۸۸). در حکمرانی، سرمایه اجتماعی توان حاکمیت برای همراه کردن مردم با خود به منظور تحقق آرمان‌ها و هنجارهای مشخص شده است؛ بنابراین یکی از مشخصه‌های مشترک بین پلتفرم و مدل حکمرانی منطبق با آن تمرکز بر سرمایه اجتماعی است که این مهم خود نشانگر تمرکز مدل حکمرانی پلتفرمی بر جلب رضایت مردم به یک حاکمیت مشخص شده و معین است و از سوی دیگر در مدل حکمرانی پلتفرمی، جلب آرای عمومی و کسب سرمایه اجتماعی برای قدرت یافتن حاکمیت موضوع مهم و اساسی به شمار می‌آید. البته باید اضافه کرد که حاکمیت این توان را دارد تا منطبق بر هنجارهای خود، محدودیت‌هایی برای شهروندان وضع کند که این رفتار، در مجموع برای رشد حکمرانی پلتفرمی ضروری است.

۲- کنترل تنظیم گرانه: گفته شد که در پلتفرم، "شاخص‌های ارزیابی و تنظیم هنجارها" توسط مالک پلتفرم صورت می‌گیرد. کنترل تنظیم گرانه از این قاعده مستخرج شده است. در پلتفرم مکانیزم کنترلی وجود دارد؛ یعنی علی‌رغم اینکه مفهوم پلتفرم ممکن است با ادبیات لیبرالیسم و آزادی قربت داشته باشد؛ اما هیچ سیستم ره‌اشده‌ای وجود ندارد که موفق به اداره امور شود؛ بنابراین ایده حکمرانی پلتفرمی قائل به مداخله تنظیم گرانه دولت می‌باشد. پلتفرم نیز دارای یک قدرت مرکزی است از که سوی مالک آن برای تک‌تک بازیگران، نقش‌های مشخصی تعریف شده و بازیگران توسط مکانیزم‌های کنترلی، درون دالانی قرار می‌گیرند که مالک پلتفرم طراحی کرده و خروج از این دالان، با برخورد مالک پلتفرم همراه خواهد بود. در حکمرانی پلتفرمی، هنجارها و ناهنجاری‌هایی برای کنترل اوضاع تعریف می‌شود که به عنوان قوانین پذیرفته شده، به صورت پیش‌فرض توسط افراد جامعه رعایت می‌شوند. یک حکمرانی پلتفرمی، مدام عملکرد کنشگران تأثیرگذار را در داشبورد مدیریتی رصد و پایش می‌کند. این پایش البته به معنای کنترل شدید نیست؛ بلکه به مثابه رصد بازی توسط داور چهارم فوتبال از طریق فناوری VAR است. پلتفرم، مولود انقلاب دیجیتال است بنابراین، حکمرانی پلتفرمی نیز باید از این ابزار بهره بگیرد. یک نکته قابل توجه استفاده از فناوری‌های روز دیجیتالی جهت کنترل تنظیم گرایانه است. سیستم‌های ارزیابی رفتار شهروندان از طریق نظرسنجی‌های برخط (مشابه آنچه در تاکسی‌های اینترنتی وجود دارد) و طراحی نظام جریمه یا پاداش بر این طریق که به نوعی از فناوری ارتباطی (engagement tech) نشئت می‌گیرد نیز از دیگر موضوعاتی است که در حکمرانی پلتفرمی در نظر گرفته می‌شود.

۳- ساختار حمایتی: یکی دیگر از قواعد تنظیم‌گری در پلتفرم‌ها "کنترل فرایند توسعه‌دهندگان" است که اختیاراتی را برای رشد پلتفرم در اختیار توسعه‌دهندگان قرار می‌دهد. از این موضع می‌توان نتیجه گرفت که در حکمرانی پلتفرمی، ساختار حمایتی وجود دارد. یکی دیگر از نقطه تمایزات پلتفرم با تفکرات لیبرال این است که مالک پلتفرم برای افزایش توان و قدرت پلتفرم در بالابردن کارایی توسعه‌دهندگان و جذب کاربر، خود را ملزم به ارائه بسته‌های حمایتی می‌داند؛ بنابراین، در حکمرانی پلتفرمی موضوع توانمندسازی و حمایت مطرح است. حاکمیت پلتفرمی قادر است با شناسایی ضعف‌های موجود در اکوسیستم، تصمیم بگیرد که کدام قشر نیاز به دریافت یارانه دارند و کدام قشر به حدی از خودکفایی رسیده‌اند که می‌توانند بدون دریافت کمک‌های حمایتی، از خدمات حاکمیت بهره لازم را ببرند. به عبارت دیگر، در اینجا، حاکمیت تعیین می‌کند که چه کسی مستحق دریافت چه میزان از خدمات حمایتی است. در اینجا موضوع عدالت بر اساس دو رکن استحقاق و توزیع عادلانه مطرح می‌شود. یعنی حکمرانی پلتفرمی در نظام تخصیص و

توزیع به واسطه اطلاعات و داده‌های موجود به بهترین شکل عمل خواهد کرد. حاکمیت پلتفرمی کوپن‌هایی را برای اعضای جدید یا ضعیف اکوسیستم به صورت هدفمند تعریف می‌کند تا در یک بازه زمانی مشخص، آنها را توانمند سازد. این کار، نه تنها نقدینگی سرگردان ایجاد نمی‌کند؛ بلکه موجب تقویت اقتصاد پلتفرم می‌گردد.

• ویژگی‌های حکمرانی پلتفرمی

با مطالعه ویژگی‌های حکمرانی متعارف، چهار ویژگی شاخص هر مدل حکمرانی شناسایی شد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: شبکه‌سازی، سلسله‌مراتب‌ها، قدرت و مشروعیت (Ansel & Turfing, ۲۰۱۶, p. ۱۳۷) در ادامه، از تلفیق این موارد با ویژگی‌های پلتفرم‌ها در بُعد حکمرانی، ویژگی‌های ذیل برای مدل حکمرانی پلتفرمی تعریف گردید.

۱- شبکه‌سازی و پایش: همان‌طور که اشاره کردیم، اکثر تعاریف از حکمرانی به موضوع هدایت افراد و نهادهای موجود به سمت اهداف تعیین شده بود. در این میان، حکومت نقش هدایت افراد را به سمت مقصد به عهده دارد. علاوه بر این، همراه کردن فعالان جامعه برای حرکت به سمت مطلوب مهم است. مزیت شبکه‌سازی این است که در ابتدا به ساختارهای خاص یا نقش بازیگران خاص (مانند نقش دولت) حساس نیست، بلکه بر ساختارها، فرایندها و بازیگران و تنظیم‌گری بین آنها تمرکز می‌کند. حتی می‌توان یک رویکرد شبکه‌ای را برای تجزیه و تحلیل آینده‌ای که "تکه‌تکه، توزیع شده یا محدود شده است" مفید دانست؛ بنابراین، این رویکرد می‌تواند به موضوعاتی که در ادبیات حکمرانی از اهمیت بالایی برخوردار هستند، مانند تصمیم‌گیری بهتر، پاسخ سریع‌تر به اطلاعات جدید، ارائه هماهنگی بهتر، انتشار سریع اطلاعات مهم و عملکرد عادلانه کمک کند. همچنین قادر است به پرورش اعتماد از طریق شفافیت، بسیج کارآمدتر تخصص‌ها، مدیریت منافع ذی‌نفعان در اطلاعات دارایی‌های مهم و... کمک کند (Ansel & Turfing, ۲۰۱۶, p. ۱۵۷). در این بین، یک حکمرانی پلتفرمی باید قادر باشد شبکه‌ها را به صورت ذیل سامان‌دهی و پایش کند:

- شناسایی بازیگران و پیوند بین آنها
- جمع‌آوری و تحلیل داده‌هایی که روابط اجتماعی بین بازیگران مختلف را ثابت می‌کند.
- نشان‌دادن و نمایش الگوی پیوندها بین بازیگران به صورت گراف.
- تلاش برای ایجاد همکاری بین شبکه‌هایی که اهداف مشترک دارند.

۲- شبکه سلسله‌مراتب‌ها: یکی دیگر ویژگی‌ها در نظام حکمرانی پلتفرمی، وجود ساختار سلسله‌مراتبی است. در نظامات مرسوم، عمدتاً سلسله‌مراتب درون سازمان‌ها تعریف می‌شد و عمده این نگاه‌ها، رویکرد بخشی را در حکمرانی پیاده‌سازی می‌کرد. در یک نظام حکمرانی پلتفرمی، شبکه سلسله‌مراتب‌ها به معنای ارتباط بین حداقل ۳ سلسله‌مراتب سازمانی دیگر است که همکاری‌های نامتقارن، تکرارپذیر و پایدار با یکدیگر دارند. در این سیستم، اخلاق مشارکتی حمایت شده و انگیزه‌های رقابتی مخرب که به ضرر شبکه است سرکوب می‌گردد (Stephenson, ۲۰۱۶, p. ۱۴۱). در یک نظام حکمرانی پلتفرمی، سازمان‌های که دارای اشتراک هدف و عملکرد هستند، از طریق ایجاد یک شبکه، اقدام به همکاری با یکدیگر کرده و اطلاعات را در سطوح مختلف بین خود مبادله می‌کنند. به عنوان مثال، در کشور ما، سازمان‌های امنیتی متعددی در حال فعالیت می‌باشند (وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه، اطلاعات بسیج و...). این سازمان‌ها در این سیستم، علاوه بر سلسله‌مراتب موجود بین خود، شبکه‌ای از سلسله‌مراتب‌هایی نیز برای ارتباط و تبادل اطلاعات بین خود ایجاد می‌کنند. این کار موجب بهره‌وری بالاتر در عملکرد آنها شده و به صورت نامتقارن، اقدام به کشف ابعاد یک مسئله امنیتی می‌کنند. نکته‌ای که در این باره حائز اهمیت است این است که این سازمان‌ها به مثابه استوانه‌هایی هستند که هر یک درون خود سلسله‌مراتبی دارند و همچون پیستون یک خودرو، با سرعت‌های مختلف درون خود به فعالیت می‌پردازند. چنانچه این استوانه‌ها با یکدیگر تشکیل یک شبکه را بدهند، قدرت آنها بیشتر شده و با سرعت بیشتری به سمت هدف حرکت می‌کنند. در مثال فوق، اگر سازمان‌های امنیتی پرونده‌ها را در بین خود به اشتراک بگذارند، سرعت رسیدگی بالا رفته و اطلاعات از زوایای مختلف بررسی می‌شود. این سیستم در نظام سلامت نیز به طور مشابه قابل اجرا است. نکته دیگر آن است که طبقه‌ای که حکمرانی پلتفرمی را برعهده دارند (شوراها و یا نهادهای بالادستی در امر سیاست‌گذاری) تشخیص می‌دهند کدام نهادها و سازمان‌ها در درون ساختار حکمرانی می‌توانند با یکدیگر تعامل داشته باشند و شبکه سلسله‌مراتبی توسط این طبقه تهیه و ترسیم می‌گردد.

۳- قدرت تعاملی: تعاریف متعددی از مفهوم قدرت وجود دارد که ساده‌ترین آن عبارت است از ظرفیت یک بازیگر (A) برای وادار کردن بازیگر دوم (B) به کاری است که بازیگر B در غیر این صورت (وادار کردن) انجام نمی‌دهد (Ansel & Turfing, ۲۰۱۶, p. ۱۱۸). این تعریف در شرایطی صدق می‌کند که بازیگر A از توانایی خود نه برای ضربه‌زدن به نفر دیگر بلکه برای پیشبرد اهداف مشخص استفاده کند. اما در دنیای امروز تعاریف تکامل‌یافته‌تری از قدرت به وجود آمده که در نظام‌های حکمرانی جدید دنبال می‌شود. با توجه به چهارچوبی که از حکمرانی پلتفرمی تصویر کردیم، در این مدل حکمرانی، قدرت متمرکز وجود ندارد؛ بلکه این قدرت، حاصل هم‌افزایی تمامی کنشگران اعم از دولت، بخش خصوصی و مردم، در راستای بسترسازی برای رشد اقتصادی و اجتماعی بوده و این کنشگران هستند که با حمایت‌های خود، تولید قدرت می‌کنند. بر طبق این فرض، می‌توان گفت آنچه از مفهوم قدرت در حکمرانی پلتفرمی استنباط می‌شود با مفهوم قدرت در نظریه حاکمیت تعاملی قرابت دارد. حاکمیت تعاملی به فرایند پیچیده‌ای اطلاق می‌شود که از طریق آن تعدادی از بازیگران اجتماعی و سیاسی با علایق متفاوت برای تدوین، ترویج و دستیابی به اهداف مشترک از طریق بسیج، تبادل و به‌کارگیری طیف وسیعی از ایده‌ها، قوانین و منابع تعامل می‌کنند (Turfing et al, ۲۰۱۲, p. ۱۴). چنانچه از این تعریف مشخص است، در حاکمیت تعاملی سعی بر آن است که از به وجود آمدن تضاد بین بازیگران A و B اجتناب شود. این فضا با تبادل اطلاعات، مذاکره و وضع قوانین به وجود می‌آید که موجب رضایت طرفین نیز می‌گردد. در اصل، به نظر می‌رسد که حکومت تعاملی به‌طور کلی از تسلط بر قدرت اجتناب می‌کند و این عدم وجود قدرت متمرکز و تسلط مطلق، شاخصه‌ای است که در حکمرانی پلتفرمی نیز مطرح است. موضوعی که ما آن را تحت عنوان قدرت تعاملی در حکمرانی پلتفرمی نام می‌بریم.

۴- مشروعیت دوطرفه: تعاریف مختلفی برای مشروعیت وجود دارد؛ برخی از تعاریف موجود عبارت‌اند از:

- توجیه عقلانی اعمال سلطه و اطاعت.
 - قانونی بودن یا طبق قانون بودن.
 - اعتقاد مردم تحت فرمان به شایستگی و برخورداری رهبران و حکومت نسبت به صدور قواعد الزام‌آور.
- همان‌طور که از تعاریف فوق برمی‌آید، مفهوم مشترکی که از واژه مشروعیت برای حاکمیت مطرح است، به‌نوعی اعتقاد و توان توجیه اعمال دستورات و وضع قوانین به دست حکومت است. موضوعی که از سوی مردم به حاکمیت تنفیذ می‌گردد.
- کارلسون (۲۰۱۹) مشروعیت را به دودسته تقسیم می‌کند: مشروعیت ورودی و مشروعیت خروجی. مشروعیت ورودی به معنای اعتقاد مردم به حاکمیت است. یعنی مردم تا چه میزان حامی حکومت هستند. مشروعیت خروجی یک نتیجه است و به این معنا است که حاکمیت تا چه میزان در خدمت مردم است. از کنار هم قراردادن این مفهوم از مشروعیت و فروض اولیه‌ای که از حکمرانی پلتفرمی مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت که در یک نظام حکمرانی پلتفرمی، تلاش بر این است که حاکمیت پلتفرمی، با تأمین مطلوبیت‌های شهروندان و کنشگران، همراهی آنها را جلب کند و از طرف مقابل، شهروندان متناسب با عملکرد حاکمیت پلتفرمی، اختیارات و امکان اعمال قدرت را در سطوح مختلف به حاکمیت پلتفرمی تنفیذ می‌کنند؛ بنابراین در مدل حکمرانی پلتفرمی، مشروعیت به‌صورت دوطرفه ایجاد می‌شود و چنانچه یک طرف، کارایی لازم را نداشته باشد، زمینه بحران مشروعیت و تغییر حاکم رخ می‌دهد. بنابراین، مدل و بر اساس چهارچوب‌ها و ویژگی‌های مذکور، حکمرانی پلتفرمی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:
- حکمرانی پلتفرمی شیوه‌ای از حکمرانی است که با الهام از ویژگی‌های یک پلتفرم و آموزه‌های آن در بُعد تنظیم‌گری، سعی دارد تا چابکی و کارایی حکمرانی را افزایش دهد. ۳ مؤلفه قدرت توزیع شده، کنترل تنظیم‌گرانه و ساختار حمایتی قواعد تنظیم‌گرایانه این مدل را تشکیل می‌دهند و از ویژگی‌های این مدل حکمرانی می‌توان شبکه سلسله‌مراتب‌ها، قدرت تعاملی، مشروعیت دوطرفه و شبکه‌سازی و پایش اشاره نمود.

نتیجه گیری

اقتصاد اشتراکی نوع جدیدی از اقتصاد است که روز به روز در حال گسترش بوده و تحولات زیادی را در عرصه اقتصاد رقم زده است. پلتفرم ها ابزارهای اقتصاد اشتراکی هستند که روزه روز در حال گسترش و رسوخ در زندگی اجتماعی ما بوده و به واسطه مدل های حکمرانی درون پلتفرمی، شهروندان در چهارچوب های منظم و مشخص شده حرکت می کنند و حتی الامکان از بروز رفتارهای نابه هنجار جلوگیری می کنند. به همین منظور، اگر بخواهیم سیستم حکمرانی را به سمت حکمرانی پلتفرمی (حکمرانی الهام گرفته شده از پلتفرم) منتقل کنیم، چه الزاماتی دارد؟ به بیان دیگر، در این پژوهش، مختصات یک حکمرانی پلتفرمی انکشاف شده است. به همین جهت نیز از روش دلالت پژوهی استفاده گردید تا شبکه ای از عناصر حول مفهوم پلتفرم احصا گردد. در این مقاله به دنبال آن بودیم تا دریابیم چگونه می توان با استفاده از آموزه های پلتفرم ها به یک مدل حکمرانی مطلوب تر دست یافت. به همین منظور هم با بهره گیری از روش کیفی از نوع دلالت پژوهی سعی شد تا مفاهیم حول مفهوم حکمرانی دسته بندی گردد. سپس تعریف حکمرانی پلتفرمی، یعنی حکمرانی که بر اساس آموزه های پلتفرم بنا شده باشد، در این مقاله تشریح شد و با استفاده از نظر خبرگان، مدل مفهومی برای مختصات و ویژگی های یک حکمرانی پلتفرمی ارائه گردید. در نتیجه، مشخص شد که حکمرانی پلتفرمی از نظر قواعد تنظیم گرایانه دارای ۳ قاعده کلی اعم از قدرت توزیع شده، کنترل تنظیم گرانه و ساختار حمایتی است و از نظر ویژگی، داری سه ویژگی شبکه سازی سازی و پایش، شبکه سلسله مراتب ها و قدرت تعاملی است.

پیشنهادهای کاربردی

پیشنهاد می شود الزامات پیاده سازی این مولفه ها در حکمرانی توسط نهاد های بالادستی مورد بررسی قرار گیرد. طبعاً این تحولات در ابتدا باید در قوانین مادر و بالا دستی نظیر قانون اساسی دیده شود و سپس به سطح آیین نامه ها و بخش نامه ها رسوخ کند. حرکت به سمت حکمرانی پلتفرم می تواند موجب چابک تر شدن نظام حکمرانی و حل مسائل آن در ساختاری منظم شود. چهارچوب ها و ویژگی های این مدل حکمرانی بدون شک منحصر به آنچه در این مقاله آمده نمی باشد و پژوهشگران و صاحب نظران می بایست در توسعه این مفهوم تلاش و همکاری داشته باشند. نقش فناوری های انقلاب صنعتی چهارم در توسعه حکمرانی پلتفرمی، ترسیم مدلی جامع از مفهوم حکمرانی پلتفرمی و تلاش برای پیاده سازی آن در نظام اجرایی کشور، وضعیت قوانین بالادستی کشور برای پیاده سازی حکمرانی پلتفرمی، نقاط شروع اجرایی سازی این مدل حکمرانی و همچنین اولویت بندی شاخصه های حکمرانی پلتفرمی برای اجرایی سازی در کشور از جمله موضوعاتی است که می تواند در بسط این مفهوم مؤثر باشد.

منابع

۱. آزادی احمدآبادی، جواد (۱۳۹۸). از تنظیم‌گری در پلتفرم تا تنظیم‌گری با پلتفرم. تأملات رشد، شماره ۳، صص ۱۲۰-۱۲۳.
۲. ابوالحسنی، الهه (۱۳۹۱). حکمرانی مردم‌سالارانه. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۱، صص ۱-۱۹.
۳. باتزمن، ریچل و راجرز، رو (۲۰۱۰). آنچه مال من است مال شماست. ترجمه: سعید ارکان زاده یزدی (۱۳۹۶). تهران: نشر امین الضرب.
۴. برقی، سیدامیررضا (۱۳۹۸). قدرت پلتفرم، اثر شبکه‌ای. تأملات رشد، شماره ۳، صص ۱۱۰-۱۱۳.
۵. پوررضا، محمد سعید و سرلک، محمد علی، جمشیدی، علی. (۱۴۰۲). طراحی مدل توانمندسازی منابع انسانی به کمک مدیریت دانش، مدیریت فردا، ۷۱(۲)، ۹۱-۱۲۶.
۶. حسنی، حسین و کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۹). سیاستگذاری اینترنت: مرور سیستماتیک رویکردهای حکمرانی پلتفرم‌های آنلاین و رسانه‌های اجتماعی. سیاستگذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۵۹-۷۹.
۷. خواجه نایینی، علی (۱۳۹۳). درآمدی بر مفهوم حکمرانی شبکه‌ای؛ مطلوبیت‌ها و چالش‌ها. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۵۷.
۸. دانایی فرد، حسن. (۱۳۹۵). روش -شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا، فصلنامه علمی - پژوهشی روش -شناسی علوم انسانی س ۲۲، ش ۸۶، بهار ۱۳۹۵، صص ۳۹-۷۱.
۹. راجان، آرون (۲۰۱۶). اقتصاد اشتراکی: پایان عصر استخدام و ظهور سرمایه‌داری مبتنی بر جمعیت. ترجمه: رضا رادفر و مهدی دریایی (۱۳۹۹). تهران: نشر صفحه سفید.
۱۰. ردادی، محسن (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی. راهبرد یاس، شماره ۱۶، صص ۱۸۶-۱۹۶.
۱۱. شاکرین، حمیدرضا (۱۳۸۲). مشروعیت چیست؟. پرسمان، شماره ۷، صص ۸-۱۰.
۱۲. شیرعلی، اسماعیل (۱۴۰۱). مفهوم‌شناسی مردمی‌سازی حکمرانی. فصلنامه تخصصی حکمرانی متعالی، دوره ۲، شماره ۴۴، صص ۱۱-۳۰.
۱۳. صوفی مجیدپور، مسعود (۱۳۸۳). نظریه حکمرانی خوب به منزله سیاست توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۴. طالب پور، اکبر؛ بسطامی نژاد، محمود (۱۳۹۹). طراحی الگوی توسعه ایران با استفاده از روش دلفی. دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه؛ سال ۹، شماره ۲، صص ۲۵۳-۲۸۳.
۱۵. فدائی، غلامرضا و ناخدا، مریم (۱۳۸۹). طراحی مدل مدیریت تغییر در کتابخانه‌های دانشگاهی ایران؛ مطالعه دلفی. تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۱۶(۳)، صص ۱۴۵-۱۶۸.
۱۶. محمدی، حافظ (۱۴۰۱). شبکه ملی اطلاعات و تحقق حکمرانی سایبری در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تجربه کشورها. فصلنامه تخصصی حکمرانی متعالی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۷۵-۱۰۰.
۱۷. محمدی، مهدی؛ الیاسی، مهدی؛ کاکاوند کردی، مهدی و زمانی، آرش (۱۳۹۸). اقتصاد اشتراکی: اقتصاد مردم محور و فراتر از مالکیت. تهران: دانش بنیان فناور.
۱۸. نادری، محمد مهدی (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره ۱، صص ۶۹-۹۴.
۱۹. نقیب السادات، سید رضا. (۱۳۹۰). روش دلفی. در: جوادی، محمد عباس (مترجم)، کتاب ماه علوم اجتماعی دوره جدید. شماره ۳۷، صص ۷۰-۷۷.

۲۰. هیوز، اون (۱۹۹۴). مدیریت دولتی نوین. ترجمه: مهدی الوانی، سهراب خلیلی و غلامرضا معمارزاده (۱۳۸۴). تهران: نشر مروارید
۲۱. یخچالی، مهدی؛ طهماسبی، رضا؛ لطیفی، میثم و فرجی ملانی، امین (۱۳۹۹). واکاوی ویژگی‌های دولت به مثابه پلتفرم با استفاده از مرور نظام مند و فراترکیب. مدیریت دولتی، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۲۴۴-۲۳۷

References

- Acquier, A., Daudigeos, T., & Pinkse, J. (۲۰۱۷). Promises and paradoxes of the sharing economy: An organizing framework. *Technological Forecasting and Social Change*, ۱۲۵(۱), ۱-۱۰.
<https://doi.org/10.1016/j.techfore.2017.07.006>
- Amrit Tiwana (۲۰۱۴). *Platform Ecosystems. Aligning Architecture, Governance, and Strategy* (۲۰۱۴, Morgan Kaufmann).
- Ansell, C., & Torfing, J. (۲۰۱۶). *Handbook on Theories of Governance*. Edward Elgar Publishing.
<https://doi.org/9781782548508/10.4337>
- Barns, S. (۲۰۱۸). Smart cities and urban data platforms: Designing interfaces for smart governance. *City, Culture and Society*, ۱۲(۲۰۱۸), pp ۵-۱۲
- Bisogno, R. (۲۰۱۷). *Problem-Solving in Homeland Security and Creating Policy Conditions for Enhanced Civic Engagement: An Examination of Crowdsourcing Models*. Homeland Security Affairs. Naval Postgraduate School, Center for Homeland Defense and Security, Monterey, California, USA .
- Braun, V., & Clarke, V. (۲۰۰۶). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, ۱۰۱-۷۷.
- Bracken, M. (۲۰۱۵). *Government as a Platform: the next phase of digital transformation* Retrieved February ۲۰, ۲۰۱۷, from <https://gds.blog.gov.uk/2017/03/20/government-as-a-platform-the-next-phase-of-digital-transformation>
- Fukuyama, F. (۲۰۱۳). What Is Governance? *Governance*, ۲۶(۳), ۳۴۷-۳۶۸. <https://doi.org/10.1111/gove.12035>
- Hasson, F. & Keeney, S & McKenna, H. (۲۰۰۰). Research Guidelines For The Delphi survey Technique, *Journal Of Advanced Nursing*, Vol ۳۲, Issue ۴
- Hong Ngoc Nguyen, Timo Rintamäki, and Hannu Saarijärvi (۲۰۱۸). Customer Value in the Sharing Economy Platform: The Airbnb Case, ۲۴۶-۲۲۵
- Karin Gavelin, Simon Burall and Richard Wilson (۲۰۰۹). Open Government: beyond static measures.
- Krekula, C., Karlsson, S., Engström, L. G., & Grip, L. (۲۰۱۹). Communicating equality through policy documents: On legitimacy, double logic and stable translations. *Gender, Work & Organization*, ۲۶(۱۱), -۱۶۰۶. ۱۶۲۰.
- Kumar, V., Lahiri, A., & Dogan, O. B. (۲۰۱۸). A strategic framework for a profitable business model in the sharing economy. *Industrial Marketing Management*, ۶۹, ۱۴۷-۱۶۰.
<https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2017.08.021>

Laurence E. Lynn, JR (۲۰۱۰). Governance.

Levi-Faur, D. (۲۰۱۲). FROM “BIG GOVERNMENT” TO “BIG GOVERNANCE”?, ۳۲-۴۹.

<https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199560530.013.0001>

Michael Olson ؛ Samuel J. Kemp (۲۰۱۵). Sharing Economy: An In-Depth Look At Its Evolution and Trajectory Across Industries.

Nikayin, F. A. (۲۰۱۴). Common Platform Dilemmas: Collective Action and the Internet of Things. Next Generation Infrastructure Foundation. <https://doi.org/10.4233/uuid:ff561d4-27f2e-4d7f-6-8245b86dbb50e10>

O'Reilly, T. (۲۰۱۰). Government as a platform. In D. Lathrop & L. Ruma (Eds.) , Open Government, Collaboration, Transparency and Participation in practice (pp. ۱۳-۴۰). O'Reilly Media.

Patton, M. (۲۰۰۲). Qualitative Research & Evaluation Methods. Sage Publication.

Rhodes, R. A. W. (۱۹۹۶). The New Governance: Governing without Government. Political Studies, ۴۴(۴), ۶۵۲-۶۶۷. <https://doi.org/10.1111/j.9248.1996-1467.tb01747.x>

Stephenson, K. (۲۰۱۶). ۱۰. Heterarchy. Handbook on theories of governance, ۱۳۹

Torfin, J., Peters, B. G., Pierre, J., & Sørensen, E. (۲۰۱۲). Interactive Governance Advancing the Paradigm. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199596751.001.0001>

Weitzman, M. L. (۱۹۸۶). Macroeconomic Implications of Profit Sharing. NBER Macroeconomics Annual, ۱, ۲۹۱. <https://doi.org/3585175/10.2307>

